

نقش جهان بینی توحیدی در ایجاد امید

اعظم پرچم

عضو هیأت علمی گروه الهیات دانشگاه اصفهان

زهرا محققیان

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناس ارشد رشته الهیات دانشگاه اصفهان

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۷

در این مقاله، تأثیر نگرش توحیدی در ایجاد و تقویت روح امید در آدمی بررسی شده، نگارنده به این سؤال پاسخ می‌دهد که امید در آموزه‌های قرآن کریم، تا چه اندازه مبتنی بر نوع جهان بینی آدمی است و به نگرش او نسبت به هستی و جهان پیرامون او بستگی دارد؟ در پایان، نتیجه می‌گیرد توجه به توحید و وحدت معبود، علاوه بر آنکه آسیب‌پذیری انسان را در برابر نامالایمات به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد، بستری مناسب و برای بنیانگذاری پایه‌های امید راستین در نوع بشر می‌باشد و سدی مستحکم در برابر بحران هویت جوان و نوجوان امروزی خواهد بود.

کلید واژه‌ها: امید، اعتقادات، توحید، وحدت معبود، یکتاپرستی.

مقدمه

همین دلیل، امید به زندگی و فردای روشن، یکی از موضوعات اساسی و مهم در راستای تکامل آدمی است و یادآوری آن به افراد، مخصوصاً جوانان بسیار ضرورت دارد.

از دیگر سو، چون آدمی به حقیقت وجود خویش و اسرار درونش شناخت کامل ندارد و تمامی عوامل دردها و

امید، سرمایه اصلی حیات آدمی است. آن کس که آرامش و امید به آینده دارد، احساس می‌کند همه چیز دارد و آن که از آرامش روان و امید به آینده بهره‌ای ندارد، با ناامنی روانی، دغدغه خاطر و وسوسه‌های فزون‌خواهانه در اوج قدرت مادی نیز، هیچ ندارد! به

رنج‌های مهلک روانی و طرق پیشگیری از آنها را نمی‌داند، ناگزیر است برای شناخت حقایق مربوط به وجود خود و نیز آفات و امراض نفسانی و روش درمان یا پیشگیری از آنها، از آموزه‌های دین بهره‌گیرد و خط سیری را تعقیب نماید که بینش الهی آن را مشخص ساخته است، بینشی عمیق، فراگیر، روشن و عاری از هرگونه ابهام که تمامی زوایا و ابعاد متشابه و بهم بافته شخصیت انسان را روشن می‌سازد و هیچ نقطه‌ای از نقاط گوناگون روان انسان و جان و جهان از برابر نگاه او مخفی نیست (سبأ/۳). اوست که می‌تواند داروها و روش‌های درمان و پیشگیری‌های مربوط به آفات و بیماری‌ها را (که از وجود روح ناامیدی در آدمی سرچشمه می‌گیرند) ارائه نماید و انسان متفکر می‌تواند با رهنمودگیری و الهام از برنامه‌های خدای آگاه، آن امیدسازی و امیدپروری را معماری کند که از صلاح و سعادت بشریت سر برآورده، نیکبختی واقعی را در جامعه انسانی بارور سازد.

در ادامه، تأثیر اعتقاد به توحید در ایجاد و تقویت روح امید راستین در

آدمی جداگانه بررسی شده است؛ چراکه از نظر قرآن، انسانی به معنای واقعی تکامل یافته است که در محور اعتقادات، رشد یافته باشد و از آنجا که رهایی از تشویش و نگرانی که امری همیشگی بوده و هست، تنها به کمک اعتقادات دینی امکان پذیر می‌باشد، این مقال به مهم‌ترین اصل اعتقادی اسلام یعنی ایمان و عقیده به توحید (طبق آموزه‌های قرآن) پرداخته است؛ چراکه این اصل، پایه و اساس دریافت اسلام را تشکیل می‌دهد و سایر آموزه‌ها، معنابخشی خود را از این اصل دریافت می‌نمایند. از سوی دیگر اگر آدمی از نظر شخصیتی و اعتقادی نسبت به آینده امیدوار نباشد، به طور طبیعی، رفتاری بیرون از عرف طبیعت انسانی از خود بروز می‌دهد که در جهت دادن جامعه نیز به سمت ناامیدی و افسردگی بی‌تأثیر نخواهد بود. به همین دلیل اعتقاد به توحید، ضمن ایجاد آرامش در درون آدمی، نقشی اساسی و تعیین‌کننده در جهت دادن به رفتار انسان در کلیه زمینه‌های زندگی ایفا می‌کند، به طوری که اگر به یکی از خصوصیات حاکم بر شخصیت زندگی انسان تبدیل شود، در دیگر خصوصیات

شخصیتی او نیز تأثیر می‌گذارد و آنها را استواری می‌بخشد. از این رو با پرورش افراد سالم و امیدوار، می‌توان به برقراری آرامش و امنیت در جامعه، بیشتر امیدوار بود.

اعتقاد به توحید و وحدت معبود

اولین و مهم‌ترین آموزه برای القای روح امید در آدمی، اعتقاد به توحید است. خداوند سبحان در قرآن کریم، به وحدانیت خود گواهی می‌دهد و اقرار فرشتگان و دانشمندان را نیز، به منزله گواهی دادن، شاهد بر وحدانیت خود قرار داده است (شَهَدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ) (آل عمران/۱۸).

اعتقاد به توحید و یگانه بودن خداوند موجب می‌شود به جای آنکه انسان، پیوسته به عوامل متعدد مؤثر در زندگی خویش بیندیشد و از آنها بیم به دل راه داده یا به آنها امید ببندد، به یک مرجع و ملجأ چشم بدوزد. کمترین تأثیر چنین نگرشی، انسجام و تعادل میان شناخت‌ها، عواطف و اعمال در بسیاری از بخش‌های زندگی است. به دیگر سخن، توحید و یگانه‌پرستی عناصر

نفس و روان آدمی را همبستگی بخشیده، روند قوای فکری او را برای دریافت و شناخت به‌طرف یک منبع، متحد و هماهنگ می‌سازد و از این رهگذر، یک اثر ترکیبی سازنده را در شخصیت انسان بارور می‌گرداند. به عکس، تعدد آلهه و شرک یا به عبارت دیگر، تعدد منابع ترس و نفع و ضرر، منجر به تشّت و از هم پاشیدگی روان انسان و تفرّق و تقسیم قدرت آگاهی او به جهات متعدد می‌شود (زمر/۳۹) و سرانجام نیز به از هم گسیختگی پیوندهای شخصیت آدمی و ایجاد اختلالات روانی در او (از جمله ناامیدی و افسردگی) می‌انجامد. به همین دلیل قرآن کریم بارها انسان را به توحید و وحدت معبود فراخوانده (وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ) (بقره/۱۶۳) و بدین ترتیب او را از ناآرامی و آشفتگی باز می‌دارد.

از سوی دیگر اعتقاد به توحید افعالی (اصل قضا و قدر و تصادفی نبودن رویدادها) نیز یکی از عوامل مؤثر برای افزایش امید در نهاد آدمی، در پرتو اعتقاد به وجود خالق یکتاست؛ چراکه از منظر قرآن امور جهان تصادفی نیست،

بلکه تحت نظارت خداوند انجام می‌گیرد: (لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ) (انعام/۶۷) و خداوند براساس حکمت و مصلحت کارها را سامان داده، خیر و خوبی انسان‌ها را می‌خواهد: (وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ سُوءَآءَ) (آل عمران/۱۴۰) و مشکلات نیز برای امتحان و رشد آدمی است: (وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبْلُوا أَعْبَارَكُمْ) (محمد/۳۱).

بنابراین اعتقاد به توحید و وحدت معبود، که به صورت فطری در نهاد تمامی انسان‌هاست (فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) (روم/۳۰)، اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله در ایجاد امید در آدمی است و امید واقعی و حقیقی، امیدی است که همواره خداوند، وجود او و حاضر و ناظر بودن او را به اندیشه آدمی القا نماید؛ چراکه خداوند، رب و مالکی است که امر مملوک خود را تدبیر می‌کند و مملوکیت انسان زمانی به بهترین وجه نمایان است که عبد، خویش را حاضر و ناظر در برابر مالک

و مدبر خود بداند^۱. وجود چنین احساسی در آدمی، روزنه امیدی بر قلب می‌گشاید و نور لطیف و نیرومندی در دل می‌پاشد.

از سوی دیگر چنان‌که در تعریف امید گفتیم، امید متوجه وقایع محتمل الوقوع در آینده است: امید به زندگی و زنده بودن، امید به سلامت زیستن، حتی امید به مرگ کسی و رسیدن به راحتی و خوشبختی از این طریق، می‌تواند یک ذهن مشتت را به دنبال داشته باشد و توحید می‌تواند انسان را از این تشتت دور نگه دارد. هدف نهائی یک فرد مرید صادق و راستین نیز، توحید است؛ زیرا از بستر توحید، انسان مسئله پناه بردن به خداوند را درک می‌نماید. چنین انسانی همواره به یاد خدا بوده و قلبش کاملاً آرام است، چراکه (الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (رعد/۲۸).

از این رو ایمان به خداوند و اعتقاد به وحدت معبود و او را هدف اساسی زندگی خویش قرار دادن، نقشی بس

۱. بنگرید به: علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۲۰-۲۶.

تکاملی انسان باید به سوی خداوند، بهشت، خانه آخرت، لقای خدا و رحمت الهی بینجامد و تا انسان به امور یادشده، ایمان و امید نداشته باشد، حرکت تکاملی او تحقق نخواهد یافت. از این رو خداوند، امید به خالق یکتا و ایمان به او، لقاء الله و رحمت الهی را مطرح و در حد ضرورت و لزوم از آنها یاد نموده است، چراکه طبق بینش قرآن، مهم‌ترین منبع و عامل حمایت‌کننده در برابر خطرات و امواج منفی و سلب آرامش از انسان، باور به خداوند متعال و پایبندی به امور یادشده می‌باشد که در ادامه شرح هر یک از این موارد بیان گردیده‌اند.

الف) ایمان به خداوند

ایمان از ریشه «أمن» است، پس در معنی اصلی خود امنیت و آرامش را دربردارد. اگر ایمان به قدرت نامحدود آفریدگار باشد طبعاً امنیت بیشتری به «با ایمان» خواهد داد.

ایمان به خداوند یکتا، در جایگاه جامع‌ترین مفهوم دینی در اسلام، عبارت است از جایگیر شدن اعتقاد در قلب. گویی شخص با ایمان، به کسی که به

بنیادین در امیدسازی حقیقی در درون آدمی و در نهایت سعادت آفرینی او دارد. به همین دلیل از منظر آیات روح بخش الهی، امید حقیقی و راستین، همواره در ارتباط با الله است؛ چراکه هیچ مفهوم مهمی جدای از خدا، در قرآن وجود ندارد. به دیگر سخن، چون امید در راستای تکامل انسان است و مسیر تکامل انسان در قرآن، به سوی خلیفه الله (وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً) (بقره/۳۰) و مظهر تجلی اسماء الهی شدن است (که مصداق کامل آن در انبیاء و اولیای الهی ظهور یافته است)، از این رو امید واقعی نیز در راستای تجلی صفات الهی نهادینه شده در وجود بشر می‌باشد و آدمی موظف است در راستای دستیابی به این امید راستین، به سایر امیدها و اهداف خویش (دنیوی) روی آورد و تنها در این صورت است که در این دنیای وحشت‌زا و هراس‌انگیز امروز و در کشاکش عوامل و موانع فراوان شیطانی و نفسانی، آرامش واقعی پدید می‌آید و حیات واقعی محقق می‌شود و راه رسیدن به تکامل سهل و آسان می‌گردد. همچنین از نظر قرآن، حرکت

درستی و راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده، امنیت می‌دهد؛ یعنی به او چنان دلگرمی و اطمینانی می‌دهد که هرگز در اعتقاد خویش دچار شک و تردید نمی‌گردد، چراکه شک و تردید آفت اعتقاد و ضد آن است.^۱ به همین دلیل، انسانی که به خدای سبحان ایمان می‌آورد، در درونش به واسطه این ایمان، چنان اطمینان و دلگرمی حاصل می‌شود که در برابر تمامی ناملایمات زندگی، مقاومت و صبر می‌نماید و نه تنها احساس یأس و ناامیدی نمی‌کند، بلکه به دلیل اینکه خدا را همواره ملازم و همراه خود می‌داند، برای رسیدن به آینده‌ای بهتر و سرشار از موفقیت، تلاش افزون‌تری می‌نماید. بنابراین ایمان دارای دو رکن اساسی؛ یعنی التزام قلبی و ظهور عملی است. اگر عملی بدون اعتقاد قلبی و باور به حقانیت آن از فرد صادر شود، نشان ایمان او نیست. در قرآن کریم نیز آمده: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) (انعام/ ۸۲).^۲

واژه اسلام نیز بیانگر تسلیم محض انسان در برابر خداوند همه جهانیان است. از این رو قرآن، پیامد اصلی اسلام را احساس امنیت و آرامش می‌داند: (بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (بقره/ ۱۱۲) و امید و آرامش واقعی را در سلم و تسلیم در برابر خدا دانسته و بر آن تأکید کرده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ) (بقره/ ۲۰۸). همچنین پاداش و بلکه نتیجه تسلیم و ایمان به خدای یکتای بی‌همتا را رسیدن به آرامش و سلامتی دائمی بدون هرگونه اضطراب و ناآرامی شمرده است که به عنوان آرزوی دست نیافتنی انسان مطرح بوده و هست: (وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (یونس/ ۲۵). راه رسیدن به آن را نیز راهی برخوردار از آرامش و امید معرفی می‌کند تا به بشر طالب آرامش و امنیت بفهماند که این آرزو و امید دیرپای او، تنها در این راه به دست می‌آید (يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ

→ به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم، ج ۴، ص ۳۹۰-۳۹۴.

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۴۵.
۲. هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن؛ کلید راهیابی

رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ) (مائدہ/۱۶)؛ چراکه خداوند، خود ایمن دهنده است: (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ) (حشر/۲۳).

در دعای ۲۱ صحیفه سجادیه نیز حضرت سجاد ۷ چنین فرموده‌اند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَ اُنْسَ نَفْسِي وَ اسْتِغْنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ»: خدایا! آرامی دل مرا و همدمی جان مرا و بی نیازی و بسندگی مرا به خودت قرار ده؛ چراکه طبق حدیث پیامبر بزرگوار اسلام ۹ «لَا يَسْتَوْجِحُ مَنْ كَانَ اللَّهُ أُنَيْسَهُ»؛ آن که با خدا انسی دارد، تنها نمی ماند و به وحشت نمی افتد).

اما ایمان دارای مراتبی است و به اصطلاح از مقوله تشکیک پذیر است؛ یعنی حقیقت یگانه ای است که به تناسب رشد و کمال افراد و سعی و تلاش آنان فرق می کند و کمترین آن، همان اسلام، مجرد اقرار لسانی است بدون ایمان قلبی ۳. بدیهی است هرچه

ایمان فرد قوی تر باشد، میزان امیدواری او به خداوند نیز بیشتر خواهد بود و چنین مرتبه‌ای برای کسی حاصل نمی شود مگر از راه عبودیت و بندگی خالق یکتا. عبودیت نیز زمانی تکمیل می شود که بنده، تابع محض باشد و اراده و عملش را تابع اراده مولایش قرار دهد. هیچ نخواهد و هیچ عملی انجام ندهد، مگر بر وفق اراده مولایش و این همان داخل شدن در تحت ولایت خداوند است؛ پس چنین کسی، از اولیاء الله نیز هست ۴. از این رو به چشم می بیند که ملکیت از آن خدای (لَا شَرِيكَ لَهُ) (انعام/۱۶۳) است و هیچ امری در اختیار آدمی نیست تا از زوال آن بترسد یا برای از بین رفتن آن محزون گردد. به همین دلیل مصداق (إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (یونس/۶۲) می شود. پس با آرامش نفس گام برمی دارد ۵ و همواره امیدوار است. امام سجاد ۷ نیز، فرموده‌اند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ»

۱. صحیفه سجادیه، ترجمه و شرح فیض الاسلام،

ص ۱۰۶.

۲. طبرسی، مشکاة الأنوار، ص ۱۲۵.

۳. این مراتب در کتب تفسیری، ذیل آیه ۱۴ سوره حجرات بیان شده (لطیب البیان، ج ۱۲،

←

ص ۲۳۲).

۴. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۹، ص ۱۲۰-۱۲۲.

۵. همان، ج ۱۰، ص ۸۸.

خدایا! اگر اندوهگین شوم، تو وسیله آسایش و آرامش خاطر منی»^۱.

از سوی دیگر تحقیق در تاریخ ترقی و پیشرفت بشر ثابت می‌کند که پایه‌های تمدن و فرهنگ انسانی همواره بر دوش کسانی بوده که نیروی ایمان، تحمل بارهای سنگین و گران رنج و سختی را برایشان آسان ساخته و آثار سوء مصائب و رنج‌ها را از همین رهگذر، در قلب نیرومند خود عقیق و بی‌اثر نموده‌اند. دانشمندان روان‌شناس عموماً اعتراف دارند که در درمان ناراحتی‌های روحی و ایجاد اطمینان و آرامش درونی، نیروی ایمان، فوق‌العاده شگرف و اعجاب‌انگیز و ثمربخش است. در نتیجه ایمان به خداوند و اجرای مقررات اخلاقی دین، حس افزون طلبی و ثروت اندوزی که یکی از عوامل تشویش خاطر است، تعدیل خواهد شد و انسان به امید پاداش‌های بزرگ و بیم از کیفرهای سخت، از گرایش نامعقول و بی‌حد و حساب به سوی مادیات و تجمل‌پرستی پرهیز می‌کند و در نتیجه یک تعادل

مطلوب و آرام بخش که شایسته مقام انسانی است، در درونش به وجود می‌آید.

بنابراین با توجه به موارد یادشده، یکی از مهم‌ترین پیامدهای ایمان به خدا، کاهش ناراحتی‌های روحی، روانی و جسمی است؛ رابطه ایمان با جسم و جان را می‌توان به عنوان یک نسخه کم نظیر نیز تلقی نمود که در پرتو آن، انسان به تعادل در خوراک و شهوت و پاکیزگی و کار و در نهایت سلامت و طول عمر دست می‌یابد؛ زیرا انسان با ایمان، در فکر آن نیست که مال اندوزد یا قدرت به کف آرد. اگر دیگران به مقاماتی رسیدند، از حسادت آتش نمی‌گیرند و ناراحتی‌های عصبی او را به زخم معده و روده مبتلا نمی‌سازد، در حقیقت منشأ بسیاری از بیماری‌های روانی، احساس محرومیت‌های اجتماعی است و ایمان حکم داروی پیشگیری را دارد. از این رو توجه به نقش و کارکرد ایمان در افزایش امید به زندگی بشر، امری حائز اهمیت و در خور توجه می‌باشد و امید و دل بستن به خالق یکتا از طریق ایمان به او، از جمله مفاهیمی است که در فرهنگ

۱. محمدرضا حکیمی - محمد حکیمی - علی حکیمی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۱ ص ۶۰۵.

اسلام و قرآن، بدان توجه ویژه ای شده است.

ب) رحمت خداوند

با نگاهی گذرا به آیاتی که در آنها واژه امید به کار رفته و بررسی متعلقات آنها می توان فهمید که یکی از مواردی که باعث ایجاد یا افزایش امید در انسان می گردد، امید به برخورداری از رحمت الهی است. به طور کلی در ۴ آیه از ۲۸ آیه ای که واژه (رجاء) همراه با مشتقاتش به کار رفته، متعلق این واژه، رحمت خداوند است. به همین دلیل پیامبران، اولیای خدا و مجاهدان در راه حق، به رحمت الهی چشم امید داشتند: (أَوَلَيْكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ) (بقره/۲۱۸)¹.

نقش امید به رحمت خداوند، در سعادت آفرینی انسان؛ بسیار بنیادین است، زیرا طبق آیات الهی سعادت آدمی جز در منزل گزیدن در جوار قرب او ممکن نیست که این امر در سایه محبت و انس الهی میسر می گردد و آن خود، در گرو معرفت الهی است.

معرفت نیز خود رهین فکر است و انس در بند محبت و ذکر او. فکر و ذکر الهی نیز جز در سایه بُریدگی دل از محبت دنیا حاصل نگردد و قطع علاقه دل از محبت دنیا را جز بریدن از شهوات و لذت های دنیوی راهی نیست و امید به برخورداری از بهترین نعمت ها و لذت ها در جوار خالق یکتا، سلاح کارآمدی در راه پای گذاردن بر لذت ها و شهوت های دنیوی است. بنابراین امید به رحمت الهی، گام نخستین حرکت انسان به سوی مقصد است.

در بیان معنای رحمت باید گفت، رحمت در انسان ها به معنای دلسوزی می باشد که زمینه ساز احسان به مرحوم است: «الرَّحْمَةُ رِقَّةٌ تَقْتَضِي الْإِحْسَانَ إِلَى الْمَرْحُومِ»². و در مورد خداوند، از آنجا که جسم نیست تا لوازم آن مانند دلسوزی و نازک دلی را داشته باشد، به معنای حاصل آن است؛ یعنی احسان به مخلوق با افاضه وجود و توابع آن³. در قرآن کریم نیز بسیار از

۱. راغب اصفهانی، المفردات، ذیل «رحم».
۲. جعفر سبحانی، سیمای انسان کامل در قرآن،

۱. هاشمی رفسنجانی، فرمانگ قرآن، ج ۴، ص ۳۹۶.

«رحمت الهی» یاد شده است. بجز «بسم الله الرحمن الرحيم» که ۱۱۴ بار در قرآن کریم ذکر شده، واژه «رحمن» ۵۷ بار و واژه «رحیم» ۹۵ بار در توصیف ذات مقدس ربوبی آمده است. خداوند بارها از رحمت بی‌انتهایش و امید و انتظار برای بهره‌مندی از آن، از جهات مختلف و به زبان‌های گوناگون سخن گفته، چراکه ذات مقدس ربوبی دوست می‌دارد بندگان را او را به این صفت بشناسند و در مشکلات سخت و پیچیده، به این وصف امید بخش او پناه برند.

در حدیثی قدسی از پیامبر ۹ آمده که خدای متعال فرمودند: «عبادت کنندگان به عبادتی که به امید ثواب من می‌کنند. مطمئن نشوند. حتی اگر نهایت سعی خود را در بندگی من بکنند، باز کوتاهی نموده‌اند، ولیکن باید به رحمت من امیدوار باشند که اگر چنین باشد، رحمت من بدیشان می‌رسد.»^۱

ص ۲۵.

۱. کلینی، *الکافی*، ترجمه جواد مصطفوی، ج ۳، ص ۱۱۰.

از سوی دیگر، آدمی باید برای رسیدن به اعلا درجه معرفت بکوشد تا از طریق تدبیر و اندیشه در آثار و جلوه‌های رحمت الهی، قطره‌ای از این دریا را در وجودش تجلی بخشیده، اهل مهر و رحمت به بندگان گردد: (فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ) (روم/۵۰)؛ چراکه تمامی عالم بر اساس رحمت الهی، پایه‌ریزی و بنیان‌گذاری شده است: (وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ) (اعراف/۱۵۶) و تمامی انسان‌ها نیز در انتظار دریافت آن به سر می‌برند (وَ إِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا) (روم/۳۶). به همین دلیل بارها سفارش کرده که از رحمت او ناامید نشوید (لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ) (زمر/۵۳) و همواره در انتظار آن باشید؛ چراکه رحمت خداوند از تمامی آنچه انسان‌ها برای خود جمع می‌کنند برتر و بالاتر است: (لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ) (آل عمران/۱۵۷) و تنها گمراهان و کافران از رحمت او ناامیدند: (وَمَنْ يَفْئُطْ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ) (حجر/۵۶) که بدون تردید، چنین افرادی عذابی دردناک در انتظارشان است: (أُولَٰئِكَ يَبْئِسُوا مِنَ

رَحْمَتِي وَ أَوْلَاكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)
(عنكبوت / ۲۳).

همچنین باید به این نکته توجه داشت که گرچه انسان واقعی و مؤمن راستین و حقیقی، باید اندیشه لقای الهی را در سر بپروراند و عشق به ذات حق و دیدار او را هدف زندگی دنیوی خود قرار دهد (چراکه عشق به عنوان یک عامل و جاذبه طبیعی و اختیاری، مهم‌ترین عامل در حرکت تکاملی انسان است)، ولی از آنجا که شیطان به مصداق (لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمِ) (اعراف / ۱۶) در راه تکامل انسان نشسته است و همگان گرفتار جاذبه عشق نیستند و به اختیار نمی‌توانند در راه شوق لقای الهی قرار گیرند، گاه حکمت الهی چنین اقتضا می‌نماید تا با ابزارهای دیگر، ولو به صورت جبری، انسان را در طریق هدایت قرار دهد تا طعم عشق و محبت را بچشد و آن گاه خود، به اختیار راه را ادامه دهد.

بنابراین امید رسیدن به بهشت و برخورداری از رحمت الهی و نعم بهشتی، علاوه بر اینکه بهترین ابزار و انگیزه برای در راه قرار دادن انسان به سوی هدایت و کمال مطلق است،

امری پسندیده و تأثیرگذار در روند تکاملی بشر نیز به شمار می‌رود؛ چرا که شوق به بهشت ظاهری همانند اشتیاق به رضوان الله، ممدوح و درگرایش انسان به سوی کمال مؤثر است. از این رو قرآن با اشاره به رحمت الهی، شوق و گرایش به بهشت را تشدید می‌کند و با بیان رضوان، محبان و عاشقان را مشتاق می‌کند (حدید / ۲۰) چنان که عاشقان از عذاب فراق به شدت می‌سوزند و می‌نالند: «فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ!».

قرآن مجید همچنین بیان‌کننده این حقیقت است که افق طلوع رحمت الهی و فضل و احسان ویژه حق و محل ظهور این واقعیت، پس از ایمان و عمل صالح و اخلاق و رفتار پسندیده است، که همه آنها محصول پر برکت اطاعت از خدا و پیامبر اوست. به دیگر سخن، امید و انتظار و توقع دریافت رحمت حق، هنگامی توقعی صحیح و انتظاری بجاست که وجود انسان به ایمان و عمل

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۶.

صالح و اخلاق حسنه آراسته باشد، يا سالكى جدى و راهروى عارف و عاشق
 براى رسيدن به مقامات معنوى گردد كه آيه ذيل بيانگر آن مى باشد: (وَالْمُؤْمِنُونَ
 وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ
 الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
 حَكِيمٌ) (توبه/۷۱).

در حديثى از مولاي متقيان، امام على 7 نيز رسيده است كه فرمود: «أَبْلَغُ مَا تُسْتَدَرُّ بِهِ الرَّحْمَةُ أَنْ تُضْمَرَ لِجَمِيعِ النَّاسِ الرَّحْمَةُ: رساترين چيزى كه به وسيله آن مى توانى رحمت الهى را به خود جلب كنى اين است كه در باطن به همه مردم عطف و مهربان باشى»^۱.

زمانى كه انسان مورد رحمت و فضل حق قرار گيرد، از سنگين ترين زيان كه بر باد رفتن سرمايه وجود اوست و نيز از دچار شدن به فقر و تهيدستى معنوى در دنيا و آخرت، كه سبب گرفتار آمدن به عذاب دردناك هميشگى است و همچنين از غرق شدن در مفاسد ظاهرى و باطنى و

۱. تيمى آمدى، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۲۵۰.

لگدمال شدن صفات و آثار انسانى در امان مى ماند و نهال وجودش در كشتزار دنيا و باغستان حيات و گلستان تكليف و بوستان وظيفه و مسئوليت، با باغبانى پيامبران و امامان و جذب حقايق آيات و روايات و تغذيه از ايمان و عمل و اخلاق به رشدى مطلوب مى رسد و به فرموده قرآن، به شجره طيبه همراه با ميوه و محصول دائم با ريشه اى ثابت و تنه و شاخ و برگى به وسعت آسمانها تبديل مى گردد: (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا) (ابراهيم / ۲۴ و ۲۵).

با توجه به موارد گفته شده، چرا آدمى به او اميد نداشته باشد؟! و حال آنكه تمامى نعمت هاى مادى و معنوى از او و بهره مند ساختن بندگان از سوى اوست. اگر كسى در اين باورهاي اسلامى و قرآنى ترديد داشته باشد بايد پايه اعتقاد توحيدى خود را استوار كند، و باور كند كه خداوند خير محض و فياض على الاطلاق است و گستره رحمت او بهترين وسيله براى اميدوارى انسان در طول زندگى است.

ج) لقای خداوند

با نگاهی گذرا به آیاتی که در آنها واژه امید به کار رفته و بررسی متعلقات آن، می‌توان فهمید که یکی دیگر از مواردی که باعث ایجاد و القای روح امید در انسان می‌گردد، لقای الهی و امید به دیدار اوست. به طور کلی در ۶ آیه از ۲۸ آیه‌ای که واژه (رجاء) همراه با مشتقاتش به کار رفته، متعلق این واژه، لقای خداوند است.

در فرهنگ قرآن، بهشت بی‌گمان پایان و نهایت «شدن» در جنبه تکاملی انسان نیست؛ از این رو قرآن هرگز از آن به بهترین شدن و «نعم المصیر» تعبیر نکرده است، بلکه با تأکید بر مسئله «رضوان الله اکبر» بر این نکته تأکید کند که بهشت، تنها به عنوان یک هدف میانی و متوسط می‌تواند در اندیشه بشر جا گیرد. آنچه به عنوان هدف و غایت قصوای انسان می‌بایست مطرح باشد و در آن باره سعی کند، مسئله لقاء الله است: (يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ) (انشقاق/۶) که این لقاء الله می‌تواند امری غیر از بهشت با همه مراتب

روحانی، مثالی و عقلانی آن باشد. از این رو همان‌گونه که خوف و رجاء برای انسان به منزله ابزار است، بهشت نیز ابزاری است برای رسیدن به اصل و هدف نهایی که همان لقاء الله است، چرا که شدن‌های انسان در بُعد تکاملی بی‌نهایت است، برخلاف شدن در بُعد نقص و سقوط از درجه بشری و انسانی، که دوزخ می‌تواند به عنوان نهایت و پایان شدن در آن بُعد مطرح گردد.

بنابراین امید به خداوند، دارای مراتب چندی است که پایین‌ترین آن رجای نفسانی است و کسانی که نسبت معرفتی آنان به خدا، بسیار ضعیف است در این مرحله و مرتبه قرار دارند. درخواست‌های ایشان نیز زاهدانه و از خدا، جز نجات از دوزخ چیزی نمی‌خواهند و اگر درخواستی داشته باشند از بهشت خواهی تجاوز نمی‌کند، اما کسانی که خداوند سبحان را به عظمت شناخته‌اند، ترس آنان از خداوند، ترس عقلی و سوز آنان از فراق اوست. آنچه در آنان نمود دارد، شوق لقای خدا و خوف هجران اوست و اگر در پرتو این اشتیاق و سوز به بهشت گرایش

دارند و از دوزخ گریزان اند، گرایش و گریز آنان نیز عقلی است (انسان/۱۰؛ الرحمن/۴۶؛ نازعات/۴۰ و ۴۱)، چنان که ترس فرشتگان نیز عقلی است (نحل/۵۰)؛ زیرا آنان با شناخت جلال و عظمت الهی خائف هستند و از آن حریم می‌گیرند.

اما در راه رسیدن به لقای الهی، همواره باید دو اصل مورد توجه و عمل قرار گیرد. آیه ذیل که آخرین آیه سوره کهف می‌باشد، این دو اصل را که در حقیقت شروط لقای الهی می‌باشند مطرح نموده: (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) (کهف/۱۱۰). در این آیه، جمله «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» به صورت صیغه امر بیان شده، امری که لازمه رجاء و امید و انتظار لقای پروردگار است. در حقیقت، آن کس که ادعا می‌کند من انتظار چیزی دارم و اثری در عمل او نمایان نیست، در واقع مدعی دروغینی بیش نخواهد بود. در ادامه نیز حقیقت عمل صالح را در یک بیان کوتاه چنین بازگو می‌کند: «و نباید کسی را در عبادت پروردگارش شریک سازد: وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا». به

تعبیر روشن تر، تا حقیقت خلوص و اخلاص در عمل نیاید، رنگِ عمل صالح به خود نخواهد گرفت.

امام صادق^۷ نیز در حدیثی فرموده‌اند: «هر که مشتاق لقای الهی شد، خواهش طعام و شراب و لذت اینها از او قطع می‌شود، میل خواب و استراحت برطرف می‌شود و به دوست و مصاحب و رفیق، انس نمی‌گیرد، همیشه آرزومند وصال الهی است و تمنای لقای الهی دارد و آنچه در دل دارد از آرزوی لقای الهی، با زبان شوق مناجات می‌کند و به الفاظ و عبارات تعبیر می‌نماید.»^۱

به‌طور کلی خداوند در آیات بسیاری، لقای الهی را مطرح نموده و تأکید کرده که لقای الهی به‌طور قطع روزی فرا خواهد رسید: (فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ) (عنکبوت/۵) و آنان که منتظر لقای او نیستند یا در لقای او شک دارند (فَصَلِّتْ/۵۴) در حقیقت با زندگی دنیا انس گرفته و از خدا و آیات او در غفلت‌اند (یونس/۷)، اعمال

—

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴.

او، به شمارش ثانیه‌ها می‌پردازد. بدیهی است در چنین انسانی، هیچ‌گاه ناامیدی و آشفتگی نمی‌تواند نفوذ نماید و او را دچار یأس، زبونی و خودباختگی سازد. در نتیجه یک تعادل مطلوب و آرامش بخش در برابر خواسته‌های دنیوی، که شایسته مقام انسانی است، در درونش به وجود می‌آید.

نتایج

۱. امید در راستای تکامل انسان است و تکامل انسان در قرآن، در پرتو خلیفه الله و مظهر تجلی اسماء الهی شدن محقق می‌شود. از این‌رو، امید نیز در راستای تجلی صفات الهی خصلتی نهادینه شده در وجود بشر است و به دست آوردن این امر مهم، از طریق تقویت آموزه‌های اعتقادی در نهاد آدمی، میسر است.
۲. آموزه اعتقادی توحید، برای القای امید در آدمی، آموزه‌ای شناختی است که به دیدگاه و اعتقاد فرد نسبت به هستی و خالق آن می‌پردازد و از سوی دیگر، تأثیر آن

زشت مرتکب شده، طغیان و سرکشی می‌کنند (یونس/۱۱) و پیوسته از طریق بهانه‌های واهی و بی‌اساس همچون تقاضای دیدن خداوند یا ملائکه (فرقان/۲۱)، تعجیل عذاب (انعام/۵۸)، تغییر و تبدیل قرآن (یونس/۱۵) و... در نفس خود استکبار و سرکشی می‌نمایند (فرقان/۲۱). چنین افرادی به‌طور قطع اعمالشان تباه گشته (اعراف/۱۴۷) و دوزخ جایگاه و سرانجام ایشان خواهد بود (سجده/۱۴؛ زمر/۷۱؛ جاثیه/۳۴).^۱

بنابراین امید به لقای خداوند و آرزوی وصال محبوب، به واسطه مرگ و عبور از جهان مادی، آدمی را بر این وا می‌دارد تا برای جلب رضایت دوست، از هرگونه گناهی دوری جوید و با انجام اعمال پسندیده، رضایت معشوق خود را فراهم نماید. زمانی که فرد به این مرحله از ایمان رسید، تمامی وجودش اعم از قلب، زبان و دیگر اعضا و جوارحش، پیوسته سخن از معشوق می‌گوید و برای رسیدن به

۱. هاشمی رفسنجانی، *فرهنگ قرآن*، ج ۴، ص ۳۹۶-۳۹۸.

را در افزایش یا کاهش امید صادق و حقیقی در آدمی مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۳. در قرآن، اعتقاد به توحید و وحدت معبود که به صورت فطری در نهاد تمامی انسان‌هاست، اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله در ایجاد امید در آدمی معرفی شده، هسته و بنیاد امید فرد را شکل می‌دهد.

۴. توحید و یگانه پرستی، به عکس تعدد آلهه و شرک، عناصر نفس و روان آدمی را همبستگی بخشیده و روند قوای فکری او را برای دریافت و شناخت به‌طرف یک منبع، متحد و هماهنگ می‌سازد و از این رهگذر، روح امید به آینده را در شخصیت انسان بارور می‌گرداند.

۵. از منظر قرآن، اعتقاد به توحید افعالی (اصل قضا و قدر و تضادفی نبودن رویدادها) یکی از عوامل مؤثر برای تقویت و پرورش امید در نهاد آدمی است.

۶. ایمان و امید به خداوند، امید به

لقای او و امید به دریافت رحمت او، از مهم‌ترین آموزه‌هایی هستند که از طریق توحید و یکتا بودن خالق، باعث ایجاد روح امید در نهاد آدمی می‌گردند.

۷. امید و امیدواری به آینده که در اثر اطمینان و آرامش قلب و کاهش ناراحتی‌های روحی ایجاد می‌شود، از مهم‌ترین آثار و کارکردهای ایمان به خداوند است.

۸. ایمان به خداوند دارای مراتبی است. هرچه ایمان فرد قوی‌تر باشد، میزان امیدواری او به خداوند نیز بیشتر خواهد بود.

۹. از نظر قرآن، انسان مؤمن و موحد، زندگی را وسیله و بودن خویش را امانتی خدایی می‌داند که این باعث تحمل مصائب و ایجاد روحیه امید در روان او می‌شود.

۱۰. از دیدگاه انسان مؤمن، رنج‌های خارج از اختیار انسان، از سوی پروردگار مهربان و برای تطهیر قلب و تهذیب روح مقدر شده است. از این‌رو، ناامیدی در وجود

انسان مؤمن نمی تواند نفوذ یابد.

۱۱. امید به دریافت رحمت الهی و برخورداری از بهترین نعمت ها و لذت ها در جوار خالق یکتا، که از اعتقاد به توحید سرچشمه می گیرد، سلاح کارآمدی در راه پای گذاردن بر لذت ها و شهوت های دنیوی و ایجاد روح امید در نهاد آدمی است.

۱۲. عمل صالحی که از انگیزه الهی و اخلاص سرچشمه گرفته و با آن آمیخته شده است، گذرنامه لقای پروردگار برای کسی است که آرزوی لقاء را در دل می پروراند و امید رسیدن به آن را دارد.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، چاپ سوم: بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. ابوفارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، دمشق، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. الجوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۴. الزبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق احمد خراج، الکویت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵. العسکری، ابو هلال، *فروق فی اللغة*، ترجمه محمد علوی مقدم و ابراهیم الدسوقی، قم، مکتب بصیرتی، ۱۳۵۳ق.
۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۷. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق - بیروت، دارالعلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر، *سیمای انسان کامل در قرآن*، چاپ یازدهم: قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۸۷ش.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم: قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چاپ دوم: نجف، حیدریه، ۱۳۸۵ق.
۱۲. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، تحقیق احمد حسینی، چاپ سوم: تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ق.
۱۳. طیب، سید عبد الحسین، *اطیب البیان*، چاپ دوم: تهران، انتشارات اسلام،

۲۱. مهدوی، ابوالقاسم، *هدف خلقت*، به اهتمام سید حسن نواب، چاپ دوم: اصفهان، محبان، ۱۳۸۶ش.
۲۲. میبدی، احمد بن ابی سعد، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، چاپ پنجم: تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱ق.
۲۳. نراقی، محمد مهدی، *جامع السعادات*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳ش.
۲۴. نجاریان، فرزانه، «نقش امید در تکامل شخصیتی انسان»، *فصلنامه رشد معلم*، ش ۱۰۲.
۲۵. نیلی پور، مهدی، *بهشت اخلاق*، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۸۵ش.
۲۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *فرهنگ قرآن: کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.

- ۱۳۷۸ق.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، چاپ دوم: قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۵. فیض الاسلام، سید علینقی، *ترجمه و شرح الصحیفة السجادیة*، چاپ دوم: تهران، فقیه، ۱۳۷۶ش.
۱۶. کلینی، *الکافی*، ترجمه حاج سید جواد مصطفوی، تهران، اسلامیه، بی تا.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران، اسلامیه.
۱۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۰. گروه مؤلفان، *جلسه های خدامحوری در زندگی*، قم، آیه حیات، ۱۳۸۵ش.